

بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان در افغانستان

نجمه احمدی^۱

چکیده

توسعه جوامع امروزی زمانی محقق می‌شود که همه توانمندی‌ها و استعداد‌های آن بالفعل شود. حضور و مشارکت زنان که نیمی از اجتماع را تشکیل می‌دهند نقش انکارناپذیری در این فرایند دارد. اسلام مکتبی است که قوانین و احکام خود را براساس رشد و کمال نفسانی و پرهیز از مرز، روی استعدادها استوار می‌کند. به همین دلیل ضوابط و معیارهای دقیقی را در زمینه ارتباطات زنان و مردان برقرار کرده است. اشتغال و حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی خواه ناخواه به گسترش این مراودات و ارتباطات می‌انجامد. در احکام شرعی و قوانین مبتنی بر شرع، چگونگی این معیارهای منطقی و ضرورت اشتغال و حضور اجتماعی زنان مطرح می‌شود و اینکه قوانین فقهی و حقوقی چه محدوده‌ای را در مورد اشتغال زنان ترسیم می‌کند. با بررسی آیات و روایات می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام هیچ منعی نسبت به اشتغال زنان ندارد. هدف از نوشتار حاضر بررسی جایگاه اشتغال زنان در افغانستان است که به صورت کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم شده است.

واژگان کلیدی: فقه، اشتغال، حقوق، زنان، افغانستان.

۱. مقدمه

ازجمله مسائل مهم مطرح در فقه اسلام و نظام حقوقی افغانستان، حقوق مربوط به اشتغال زنان است که در صدر مباحث اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و حقوقی قرار دارد. مقاله حاضر اشتغال زنان در افغانستان را از نظر فقهی و حقوقی بررسی می‌کند. این بررسی، محک مناسبی

۱. دانش پژوه رشته حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

برای ارزیابی نظام حقوقی کشور در کنار دیدگاه اسلام و حقوق و قوانین حاکم بر اشتغال زنان است. از دیرباز در زندگی‌های مرفه شهری رسم چنین بود که زن پس از ازدواج کردن در منزل شوهر خود به خانه‌داری پرداخته و شوهر نیز در خارج از خانه به کسب و کار مشغول می‌شد. این نوع خانواده، مصداق بارزی از یک خانواده آرمانی بود. در این محیط آرمانی، وظیفه زن، انجام کارهای خانه و تربیت فرزندان بود تا در آغوش مهر مادری پرورش یابد و مرد نیز به فعالیت و امرار معاش می‌پرداخت و هزینه مشترک زندگی توسط شخص او تأمین می‌شد. شایان ذکر است که این شیوه امروز هم در برخی از زندگی‌های مرفه شهری به چشم می‌خورد. در روستاها همواره زنان دوشادوش مردان به فعالیت‌های مختلف کشاورزی، دامداری و قالی‌بافی مشغول بوده‌اند، اما با پیشرفت تمدن حرکت‌هایی مخالف با رسوم گذشته شکل گرفت. در جوامع شهری، اشتغال زنان به کار، مترادف با جدایی کار از محل زندگی است در جوامع صنعتی و غربی توجه یک‌جانبه به اشتغال زنان پیامدهای جبران‌ناپذیری به بار آورده است. خطر ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها، انحرافات اخلاقی، شیوه تربیت فرزندان، کم‌رنگ‌تر شدن پیوندهای خانوادگی، خطر فردگرایی و... از پیامدهای کار زنان به سبک و شیوه غربی آن است، اما در مقابل حاکمیت نسبی ارزش‌های اخلاقی و حقوقی اسلام در جوامع اسلامی از پیامدهای ناگوار کار زنان از نوع غربی آن تا حدودی جلوگیری کرده است. کشور ایران نیز مثل غرب در عدم فرهنگ‌سازی این واقعیت دخیل است که نیاز به اصلاح و فرهنگ‌سازی دارد.

در عصر حاضر، شرکت فعالانه زنان افغانستان در تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی نشان‌دهنده لیاقت و شایستگی آنهاست و شخصیت واقعی آنها را به همگان ثابت کرده و به هرگونه قضاوت غیرمنصفانه نسبت به این قشر از جامعه خط بطلان کشیده است. برابری زن و مرد که به طور مکرر در قانون اساسی به آن تأکید شده مقید و مشروط به رعایت موازین اسلامی است و معنی آن این است که نظام افغانستان بر اساس اصول و مقررات اسلامی اداره شده و بر محور اسلام حرکت می‌کند. به همین دلیل شفاف‌سازی و تبیین مقررات و هنجارهای فقهی، اخلاقی و حقوقی در این رابطه لازم و ضروری است و عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی،

فقهی و حقوقی اشتغال زنان و اجرایی شدن آنها می‌تواند جامعه اسلامی را به سرنوشت خراب دچار کند. بنابراین، نوشتار حاضر بر آن است که هنجارهای فقهی و حقوقی اشتغال زنان را بررسی کند. سؤالاتی که نوشتار حاضر به آنها پاسخ می‌دهد عبارتند از: آیا زنان حق کار کردن دارند؟ اگر چنین حقی را دارند، محدوده و ضوابط آن و نگرش کلی اسلام نسبت به آن چیست؟ یکی از نگرانی‌های به وجود آمده با تسلط طالبان بر کشور افغانستان، حق کار و اشتغال زنان افغانستانی است. زنان افغانستانی، عامل نیروی کیفی کار در جریان بهره‌وری و تولید ناخالص ملی بوده و نقش مؤثر و کلیدی در سلامت جامعه، پرورش نیروهای فعال و مولد در رشد و توسعه اقتصادی اجتماع دارند. با مدیریت صحیح آنها توازن بین تولید و مصرف فراهم شده و با برنامه‌ریزی و اجرای صحیح آن، رشد و توسعه اقتصاد خانواده محقق می‌شود. در این میان این سؤال مطرح می‌شود که چه نیازی به حضور زنان افغانستانی در فعالیت‌های اقتصادی جامعه است؟ یا انگیزه‌های مشارکت اقتصادی زنان افغانستان چیست؟ در پاسخ باید خاطرنشان کرد که مشارکت زنان در بازار کار، ناشی از انگیزه‌های متفاوتی است که در جوامع گوناگون گاه مشترک و گاه متضاد هستند. صاحب‌نظران، دو انگیزه روانی و اقتصادی را در اشتغال زنان مهم و مؤثر می‌دانند که با توجه به فرهنگ، سطح سواد و طبقه اجتماعی متغیر است.

۲. انگیزه‌های اشتغال زنان در افغانستان

۲-۱. انگیزه اقتصادی

براساس مطالعه‌ها و پژوهش‌های انجام شده مهمترین و شایع‌ترین دلیل اشتغال زنان نه تنها در افغانستان، بلکه در کل جوامع، عامل اقتصادی است. کمک به بهبود وضع مالی به‌ویژه در طبقه‌های کم‌درآمد و متوسط که ناشی از بالا بودن هزینه زندگی، تنوع نیازها و خواسته‌های خانواده است، زنان را به شغل خارج از خانه وامی‌دارد. شرایط سخت اقتصادی در خانواده‌ها، زن را خواسته یا ناخواسته آماده هرگونه همکاری با همسر برای پرکردن خلأهای مادی می‌کند

به طوری که هر شغلی را هرچند سخت با دست مزد کم می پذیرد. این وضعیت در مورد زنان سرپرست خانواده، زنان بیوه و یا زنانی که شوهر از کار افتاده دارند و همچنین مبتلایان به پدیده تلخ طلاق که ممکن است چندین فرزند را تحت تکفل خویش داشته باشند شدت بیشتری دارد.

۲-۲. استقلال طلبی

گسترش ارتباط‌های اجتماعی و کسب استقلال مالی، بسیاری از زنان را راهی بازار می‌کند. آنها نه از سر نیاز، بلکه به این تصور که نباید از مردان عقب بمانند و با داشتن حقوق، سرمایه و پس انداز می‌توانند به استقلال برسند به دنبال مشاغل گوناگون می‌روند. این دسته از زنان فکر می‌کنند مردان به دلیل شغل و درآمد حاصله از آن صاحب اقتدار و قیومیت بر خانواده هستند و هم‌اوردی با آنها زمانی است که زن نیز شاغل بوده و با توان مادی در ریاست بر خانواده شریک شود.

۲-۳. کسب منزلت اجتماعی

تحقیق‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که حضور در اجتماع و کسب منزلت و آگاهی اجتماعی انگیزه مهمی در اشتغال زنان به کار است. میل به کسب هویت به‌ویژه وقتی توانایی‌ها و قابلیت‌های فرد برای مطرح کردنش در حد پایینی است، زن را به کار در خارج از خانه می‌کشاند تا بدین وسیله از او چهره‌ای مؤثر و اجتماعی برجای گذارد. ممکن است در بعضی موارد، اشتغال زنان انگیزه‌های دیگری داشته باشد. حال که این انگیزه‌ها معلوم شد، باید دانست که زنان افغانستان در شانزده سال اخیر که از عمر نظام سیاسی جدید می‌گذرد دوشادوش مردان این کشور در رشد و توسعه افغانستان سهم داشته‌اند. زنان شاغل افغانستان با داشتن نگاهی مبتکرانه، خلاق و برخوردار از مهارت‌های مختلف در کنار تربیت اولاد صالح و زندگی شخصی، فعال اقتصادی بوده و هم‌دوش مردان بار سنگین فشارهای اقتصادی را کم می‌کنند.

زنان تجارت‌پیشه و اقتصادی افغانستان با مهارت‌های خانگی، فنی و حتی صنعتی خود می‌توانند اشتغال‌زایی کرده و شغل‌های جدید کوچک و بزرگ را ایجاد کنند. بیشتر زنان افغانستان می‌توانند در بخش‌های فرش، ساختمانی، میوه خشک، آموزش، صنعت، کارگاه‌های تولیدی، صنایع دستی، خدمات مسافرتی، صادرات، واردات، خرده‌فروشی و خدمات‌رسانی فعالیت کنند و با سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها نه تنها خود، بلکه خانواده‌ها و مردان خود را نیز به کار گیرند و زمینه امرار معاش بالاتر را برای هم فراهم کنند. یکی از نهادهایی که از امر اشتغال زنان در افغانستان حمایت می‌کند، اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان است. براساس گزارش‌های این دفتر از بخش‌های مختلفی که زنان تاجر افغانستان روی آن تمرکز کرده‌اند، صنایع دستی به تعداد ۳۷۰ مورد سرمایه‌گذاری، بالاترین سرمایه‌گذار را دارد. کارگاه‌های تولیدی با ۱۱۲ مورد و فعالیت‌های آموزشی با ۱۱۰ مورد به ترتیب دومین و سومین جایگاه را در میان سرمایه‌گذاری‌های زنان افغانستان دارند. خدمات مسافرتی با ۵ مورد سرمایه‌گذاری هم کم‌ترین سرمایه‌گذار را به خود اختصاص داده است.

به دلیل مشکلات بانکی در تأمین مالی سرمایه‌های خرد زنان افغانستان برای راه‌اندازی کسب‌وکار و کارآفرینی‌های کوچک و بزرگ، این نوع تأمین مالی توسط بانک، کمترین مقدار را داشته و در مرحله آخر قرار دارد. بنابراین، زنان فعال اقتصادی در مرحله نخست با استفاده از پس‌اندازهای شخصی و خانوادگی و قرضه‌های خویشاوندان به کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی پرداخته و از منافع آن به بازپرداخت قرض‌ها می‌پردازند.

زنان افغانستان همواره در طول تاریخ به‌ویژه در دوره جدید کشور، هم‌دوش با مردان جامعه با تحمل بیشترین محرومیت‌ها و حقوق‌ها مشکلات اقتصادی را تحمل کرده و برای بهبود معاش خانواده و سطح رفاه اطرافیان و جامعه خود تلاش کرده‌اند. در این میان مهم این است که باید سازمان‌ها و نهادهای مردمی، دولتی و بین‌المللی نظاره‌گر این تلاش‌ها باشند تا مبادا حقوق زنان افغانستان تاراج تجار بزرگ و دستمزد دست این زنان در بازی‌های سیاسی به ناحق خورده شود.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. حقوق

در زبان فارسی واژه حقوق به معانی گوناگون به کار می‌رود اگرچه ارائه تعریف دقیق از حقوق مانند دیگر علوم انسانی کار آسانی نیست؛ زیرا واژه حقوق، کاربردهای مختلف داشته و معانی گوناگونی دارد. دانشمندان علم حقوق برای حقوق چند تعریف ذکر کرده‌اند:

حقوق به مقررات که روابط افراد را با یکدیگر و دولت‌ها، سازمان‌ها را با یکدیگر تنظیم می‌کند گفته می‌شود. حقوق عبارت است از مقرراتی که روابط بین افراد را با هم و روابط بین دولت را با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تنظیم می‌کند. (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ص ۹)

حقوق عبارت است از: مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر روابط گوناگون فردی و اجتماعی؛ یعنی مجموعه باید‌ها و نبایدهایی که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آنها هستند و دولت ضمانت اجرای آنها را برعهده دارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۲). حقوق، مجموعه مقرراتی است که بر روابط افراد یک جامعه سیاسی حکومت دارد و گاهی آن را حقوق نوعی می‌نامند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ص ۸۲)

حقوق یعنی، مجموعه قواعد، نظامات و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع شده و ضمانت اجرایی کافی و مؤثر دارد که این ضمانت اجرا یا در خود آن مقررات هست و یا به وسیله دولت تأمین می‌شود. (واحدی، ۱۳۸۵، ص ۱۴) حقوق، مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور کلی است که برای ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت کرده و دولت اجرای آن را تأمین می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۶۶۶).

۳-۲. فقه

فقه در لغت به معنای فهم و دانش است: «الْفِقْهُ: الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ وَالْفَهْمُ لَهُ». (لسان العرب، ۱۴۰۵، ص ۵۲۲) در برخی تعاریف، فقه به معنای فهم و دانستن دین آمده است و کسی که فهم و دانش دین را داشته باشد به آن فقیه می‌گویند: «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ الدِّينِ الْفِقْهُ»

(فراهیدی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۰). در علم فقه، علم به احکام شرعیه فرعیه تعریف شده است: «الفقه فی الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية أو تحصيل الوظائف العملية عن الأدلة التفصیلیة» (مشکینی، ۱۴۱۶، ص ۱۸). فقه در اصطلاح فقها به معنای دانستن یا داشتن علم به احکام شرعیه فرعیه یا تحصیل و یادگیری وظایف عملی از راه ادله تفصیلیه است.

۳-۳. اشتغال

اشتغال در لغت یعنی، مشغول شدن و به کار پرداختن. (عمید، ۱۳۸۲، ۲۶/۱) اشتغال در اصطلاح یعنی، کار و فعالیت متشکل از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن، مزد، حقوق، معاش یا حق الزحمه کسب و کار گرفته می‌شود. در محاورات روزانه این اصطلاح بیشتر به معنای محدودتر یعنی، کارهای دستی یا کارگران دستی به کار می‌رود (قدیر، ۱۳۸۵، ص ۲). اشتغال در نظریه اقتصادی، کوشش انسانی یا فعالیت است که برای تولید هدایت می‌شود. در قالب یک عامل تولید، کار از مواد اولیه، سرمایه و مدیریت، جدا و فقط شامل مساعی کارگران در اشتغال است. به معنای دیگر، کار همه افرادی را در برمی‌گیرد که برای زیستن کار می‌کنند. این تعریف به نیروی کار یک ملت برمی‌گردد که شامل تمام جمعیت قابل اشتغال و بالای یک سن معین است (قدیر، ۱۳۸۵، ۱/۱۱۴۵).

۴. اشتغال زنان در اسلام

شغل عبارت است از: «مجموعه اعمال و فعالیت‌های فکری یا بدنی که افراد برای تأمین یک رشته اهداف مادی و معنوی در زندگی به صورت مداوم و معمول در ساعات تعیین شده و با ضوابط مشخص انجام می‌دهند که در آن حق و تکلیف به صورت متلازم و توأمان وجود دارد». تعریف یادشده کلی است و اختصاص به مکتب خاصی ندارد. برخی با تمرکز بر آموزه‌های اسلامی برای شغل معنای خاص‌تر بیان کرده‌اند: «شغل و کار در مکتب اسلام وظیفه و تکلیفی است که خداوند تبارک و تعالی بر دوش انسان‌ها نهاده و از هر فردی به اندازه وسع و توانایی‌اش خواسته شده که به منظور رفع حوائج زندگانی و همچنین نیازمندی‌های جامعه

برای کسب و کار سودمندی - که شارع مقدس آن را پذیرفته باشد - تلاش کند». (دفتر بررسی ارزش های حاکم بر نظام اداری، ۱۳۶۹، ۱۴۱/۲)

دین اسلام، قائل به آبادانی و استفاده بهینه از نعمت های مادی و معنوی است و با رهبانیت به شدت سرستیز دارد. دین نسبت به کار و اشتغال نگاه مثبت دارد، البته اسلام به کار، نگاه اقتصادی ندارد و فواید آن را منحصر در منافع اقتصادی آن نمی داند، بلکه به آن از جنبه های فرهنگی، تربیتی، روانی و... نیز می نگرد. به همین دلیل با اینکه از نظر اسلام، زن تکلیفی در تأمین بودجه زندگی خانواده برعهده ندارد و تأمین هزینه های زن و فرزند یا همان نفقه، جزو وظایف مرد است، اما در انتخاب شغلی که منافاتی با کرامت انسانی زن و مصالح خانواده نداشته باشد، مختار و آزاد است. همان گونه که اسلام به مرد اجازه دخل و تصرف در اموال را داده به او نیز اجازه داده است به طور مستقیم در امور مالی خود دخالت کند و به معامله یا کار بپردازد. چنان که حضرت خدیجه ع.ا.س. بزرگ بانوی اسلام تجارت می کرد و در فعالیت های اقتصادی، تعداد زیادی کارگر داشت. از دیدگاه فقهی در اصل عدم حرمت کار زنان تردیدی نیست. کتاب، سنت و سیره رسول اکرم ص.ا.ع. و ائمه معصومین ع.ا.ع. گویای آن است که زنان اگر شرایط و محدودیت های اشتغال در اسلام را رعایت کنند، می توانند شغل و کاری را برای خود انتخاب کنند. از این رو نگرانی های موجود درباره اشتغال زنان نباید عاملی برای صدور حکم مطلق درباره حرمت اشتغال زنان باشد، بلکه حرمت اشتغال زنان - با احراز شرایط حرمت - می تواند از باب طریقی لحاظ شود نه موضوعی. به عبارت دیگر، کار زنان فی حد ذاته حرام نیست، ولی اگر شرایطی پیش آید که مصالح و بنیاد خانواده یا مصلحت مهمتر به خطر افتد در این شرایط خاص، اشتغال زن جایز نیست. (صداقت، ۱۳۹۰، ص ۳۷۲)

قرآن کریم به روشنی بر اصل جواز کسب مال توسط زن تصریح دارد: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ؛ مردان را از آنچه به [اختیار] کسب کرده اند بهره ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده اند بهره ای است» (نساء: ۳۲). راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن کریم می نویسد: «کلمه اکتساب در به دست آوردن فایده استعمال

می‌شود که انسان خود از آن استفاده کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۷۰۹). یکی از مفسران معاصر در این زمینه می‌نویسد: «باید عنایت داشت که قرآن کریم هر جا بر اهمیت یک امر مشترک میان زن و مرد تأکید دارد آن را برای هر یک جداگانه ذکر می‌کند. در بسیاری از موارد، قرآن امر مشترک میان مرد و زن را با یک عبارت بیان می‌کند، اما در نمونه‌های برجسته برای هر یک، عبارت ویژه می‌آورد. از اینجا می‌توان دریافت که آزادی کسب و کار از اهمیت به سزایی دارد و گرنه خداوند می‌فرمود: «لکل نصیب مما اکسب» (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

در آیه ۲۶ سوره قصص، داستان چوپانی دختران حضرت شعیب علیه السلام آمده است که با پرهیز از اختلاط آن را انجام می‌دادند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه» (مجلسی، ۱۳۹۱، ۱۰/۳). علاوه بر دلایل متقن مبنی بر اصل جواز اشتغال زنان در قرآن و روایات معصومین با نگاه به کتاب‌های تاریخ اسلام و سیره مشخص می‌شود که اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده به چشم می‌خورد و در تمام شغل‌های رایج آن زمان زنان حضور دارند. صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، تجارت، بازرگانی، فروشندگی، پرستاری و خدمات اورژانسی، شاطری و چوپانی از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده و حضرت از این کارها نهی نفرموده، بلکه آن را در چارچوب احکام اسلام امضا کرده است (سعیدزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۵).

در نظام اقتصادی واقع‌بینانه و متناسب محور اسلام، اشتغال زنان به دلیل قیم و سرپرست بودن مردان در اولویت بعدی قرار دارد. این امر نه تنها تضييع حقوق زنان نیست، بلکه با توجه به اقتضائات تکوینی زن و مرد برای حمایت از حقوق آنهاست. در اسلام، اشتغال زنان، حقی متناسب با استعدادهای تکوینی آنها بوده و به رسمیت شناخته شده است. مبنا و معیار جواز اشتغال زنان رعایت حق آنها و توجه به شخصیت انسانی آنهاست نه منافع اقتصادی. در نظام اقتصادی اسلام هیچ‌کس و هیچ نهاد و شرکتی حق ندارد از زنان به صورت نیروهای کار ارزان، کم‌توقع، آرام و ابزار برای کسب درآمد بیشتر استفاده کند. اشتغال زنان در غرب بعد از انقلاب صنعتی شکل گرفت و افزایش مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال هرچند

با شعار آزادی و دفاع از حقوق زنان صورت می‌گرفت، اما علت اصلی آن نیاز شدید جوامع صنعتی به نیروی کار ارزان بود نه رعایت شخصیت و منزلت زنان.

از دیگر امتیازات مهم اشتغال زنان در نظام اقتصادی و حقوقی اسلام این است که در این نظام مقدس هم‌زمان با به رسمیت شناختن حق کار زنان -در چارچوب مقررات اسلامی- استقلال مالی زنان نیز پیش بینی و تکلیف پرداخت مخارج خانواده از عهده آنها برداشته شده است. بنابراین، در نظام اقتصادی و حقوقی اسلام، زن در صورت عدم تمایل به اشتغال در بیرون از خانه از نظر معیشت هیچ مشکلی نداشته و مناسب شأن خودش تأمین است و هرگاه بخواهد به اشتغال بیرونی روی آورد، می‌تواند مناسب‌ترین شغل را که با کرامت انسانی و توانایی‌های طبیعی او سازگاری دارد برای خویش انتخاب کند. در این نظام زن مجبور نیست به هر شغلی تن دهد، بلکه به دلیل فراغت از بار سنگین تأمین هزینه‌های زندگی می‌تواند شغل‌هایی را انتخاب کند که هم‌زمان با کسب تجربه و نشاط در زندگی به دانش و کمالات روحی او نیز کمک کند. (حسنات، ۱۳۸۹، ص ۳۳۵) در نظام تشابه‌محور غرب، زن مجبور است مخارج زندگی خود را تأمین کند و در بسیاری از موارد، تأمین هزینه‌های سنگین بچه‌ها نیز به دوش زنان است؛ زیرا به دلیل بالا بودن آمار طلاق، آمار فرزندان نامشروع و... این فرزندان ناخواسته بر زنان تحمیل می‌شوند. به همین دلیل زنان گاهی مجبور می‌شوند برای تأمین معاش خود و فرزندان به کارهایی تن دهند که نه باب میل آنهاست و نه با استعدادهای طبیعی آنها سازگاری دارد.

۴-۱. اشتغال زنان در آیات و روایات

قرآن کریم به طور مستقیم به مسئله اشتغال بانوان اشاره نکرده است، اما هرگز اشتغال و فعالیت اقتصادی را تنها برای مردان جایز نمی‌داند. هیچ دلیلی مبنی بر منع زنان از اشتغال در اسلام نیست؛ زیرا فعالیت و تلاش اجتماعی و اقتصادی، حق مشترک تمام انسان‌هاست مگر آنکه مضرات این تلاش بر منافع آن فزونی یابد. ظرافت و لطافت جسم و طبع زنان آنها را در مقابل فشارها و تهدیدهای روز جامعه آسیب‌پذیرتر ساخته است و این موجب پیدایش نگرانی‌هایی

در مورد تضييع حقوق زنان می‌شود، ولی اگر ضوابط شرعی، عقلی و قانونی بر روابط زنان و مردان در اجتماعات حاکم شود دلیلی بر چنین نگرانی وجود ندارد. این ضوابط همان فرهنگی است که قرآن از آن به معروف یاد می‌کند. گاه تعصب جاهلی به مرد، چنین تلقین می‌کند که زن در جامعه نمی‌تواند حضور فعال داشته باشد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ» (نساء: ۱۹).

معروف یعنی، به رسمیت شناخته شده. چیزی را که عقل به رسمیت می‌شناسد و پیش وحی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شده، معروف است. بنابراین، قرآن می‌فرماید: «با صنف زن طوری رفتار کنید که عقل و شرع او را به رسمیت می‌شناسد» (نساء: ۱۹). سپس فرمود: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ؛ اگر خوشتان نمی‌آید که زن‌ها از حیات اجتماعی صحیح و سالمی برخوردار باشند، بدانید که این کراهتتان نارواست»؛ «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ چه بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید» (نساء: ۱۹). یکی از آیاتی که می‌توان جواز اشتغال زنان را استنباط کرد آیه ۳۳ سوره نساء است: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ آنچه مردان کسب می‌کنند بهره مردان است و آنچه زنان کسب می‌کنند نصیب ایشان است». گروهی از آیات قرآن کریم که می‌توان از آنها جواز اشتغال بانوان را استنباط کرد آیاتی هستند که به طور عام، زنان و مردان را به فعالیت اقتصادی تشویق و ترغیب می‌کند. از مهمترین این آیات، آیه ۱۰ سوره جمعه است: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ پس آن‌گاه که نماز پایان یافت، باز در پس کسب‌وکار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادت‌مند گردید» (جمعه: ۱۰).

مراد از انتشار در ارض، متفرق شدن مردم از مسجد به بیرون و مشغول شدن در کارهای روزانه برای به دست آوردن فضل خدا، یعنی رزق و روزی است. در اسلام نه تنها فعالیت اقتصادی جایز شمرده شده و به زنان و مردان اجازه اکتساب مال و تحصیل درآمد داده شده است، بلکه همگان به حضور فعال در صحنه اقتصاد دعوت و تشویق شده‌اند: «هُوَ أَنْشَأَكُم»

مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرْتُمْ فِيهَا؛ او خدایی است که شما را از خاک آفرید و برای آبادی زمین برگماشت، همه نمونه‌هایی از این تشویق هستند» (هود: ۶۱). با دقت در آیات مشخص می‌شود که فقط مردان، مخاطب نیستند بلکه مجموعه مسلمانان با انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند و همگی به طلب فضل الهی که تحصیل درآمد یکی از مصادیق آن است، دعوت شده‌اند و بی‌شک کار یکی از مهمترین راه‌های کسب مال بوده و اسلام نیز به آن توجه خاص کرده است، پس اگر مردان و زنان به فعالیت اقتصادی دعوت شده‌اند و نیز اگر کار از مصادیق بارز فعالیت اقتصادی است، می‌توان گفت ابتغاء فضل خداوند یعنی، طلب روزی با همین مفهوم در آیه ۶۶ سوره اسراء و در آیه ۲۱ سوره فاطر تکرار شده است. جمیل بن صالح می‌گوید: «در مورد آیه: «ربنا آتنا؛ یعنی پروردگارا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت بهره‌مند گردان» (بقره: ۲۰۲). در مورد جواز اشتغال زنان می‌توان به روایات نیز تمسک جست. در بعضی از روایات، مواردی آمده است که از نظر ضوابط شرعی مردان نمی‌توانند در مورد آن شاهد باشند و نظر بدهند؛ یعنی در اینجا نپذیرفتن شهادت زنان مستلزم ارتکاب حرام است.

اگر این امر مهم را مرد به عهده گرفته باشد که البته در شریعت مقدس، اشتغال و انفاق به خانواده وظیفه اصلی مرد است، زن دیگر مسئولیتی ندارد و با کوتاهی در این امر مستوجب مؤاخذة نخواهد بود، ولی اگر در شرایطی خاص، مرد نتوانست از عهده مسئولیت برآید زن باید به او کمک کند و با تشریک مساعی یکدیگر خانواده را به سرمنزل مقصود برسانند.

۴-۲. مسئله اشتغال بانوان از دیدگاه فقها

از مهمترین موارد منع اشتغال زنان به فعالیت‌های اقتصادی در عبارات فقها برخورد حضور زن در بیرون از خانه با حقوقی است که زن در قبال شوهر برعهده دارد باید بین مردی که هنگام عقد از کارمند بودن زن اطلاع دارد و می‌داند کار بیرون او را از ماندن در خانه بازمی‌دارد با مردی که نمی‌داند زن کارمند است و با تصور اینکه او خانه‌دار است، ازدواج می‌کند، فرق گذاشت.

۴-۳. ضوابط شرعی اشتغال بانوان

۴-۳-۱. حجاب و پوشش زن در اجتماع

در سوره نور و دیگر سوره‌های قرآن، آیاتی هستند که موضوع آنها خانواده است. این آیات مانند آیه حرمت نگاه به اجنبی و اجنبیه و آیات حجاب و نهی از تبرج و خودنمایی پشتوانه‌هایی برای ثبات و استحکام خانواده هستند. اطلاق حجاب فقط بر پوشش ظاهری، کاری ناصواب است و حجاب برای زن و مرد مجموعه‌ای از تعاملات رفتاری و گفتاری را تشکیل می‌دهد. چه بسیار ممکن است شخصی از نظر ظاهر، پوشش کافی داشته باشد، ولی از نظر منش اخلاقی، رفتار شایسته‌ای نداشته باشد و یا نوعی تبرج و خودنمایی در او دیده شود. در روش‌های تربیتی اسلام نیز این‌طور نیست که فقط نظر به جداسازی محیط‌های اجتماعی زن و مرد باشد، بلکه تأکید اسلام بر حفظ شرایط و التزام به قیودات مانند نوع نگاه کردن، پوشش، سخن گفتن و... است.

۵. فلسفه پوشش زن

۵-۱. حرمت بخشیدن به زن

زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است. حفظ پوشش، نوعی احترام به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است. اگر زن، حدود را رعایت نکند هر بیماردلی به او طمع کرده و با نگاه آلوده اشتغال حریم زن را می‌شکند. به همین دلیل خداوند به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای زنان پیامبر، فروتنانه و نازک و نرم با مردان شما طمع کنند بلکه متین و درست سخن گویند» (احزاب: ۳۲).

اگرچه این حکم به دلیل خطاب «یا نساء النبی» در صدر آیه علی الظاهر مخصوص زنان پیامبر ﷺ است، ولی به اصطلاح فقها مورد مخصص نمی‌شود و به‌ویژه درجایی که حکم، همراه با علت ذکر شده است، عمومیت می‌یابد و در مورد همه زنانی که چنین احتمالی

می‌دهند، صادق است. بنابراین، چون سخن گفتن با لحن عشوه‌گرانه موجب طمع کجروان و بیماردلان می‌شود، زنان باید در سخن با مردان بیگانه متین باشند. البته به همان اندازه که زنان مسئولیت حفظ این محدوده را دارند مردان نیز مکلف به مراعات آن هستند و باید از شوخی، مطایبه و حتی سخنان غیرضروری با زنان دوری کنند ممکن است چنین توهمی پیش آید که اگر زن و مرد از رابطه آزاد با یکدیگر محروم شوند خود این مسئله از نظر روانی محرک است و اگر آزادی روابط وجود داشته باشد خطر کمتری جامعه را تهدید می‌کند؛ اگر این دو بدون هیچ مرز و حجابی با یکدیگر مراد شده باشند حرص و ولع آنها نسبت به یکدیگر فروکش می‌کند و برای یکدیگر عادی می‌شوند. بدون تردید مراد از آزاد زنان و مردان نه تنها حرص و ولع شهوانی را کاهش نمی‌دهد، بلکه آمار آن را تشدید می‌کند و تنها چیزی را که کم می‌کند و یا به طور کلی از بین می‌برد، عاطفه و عشق همسری است که بسیار خطرناک است. اگر حدود و مقررات اسلامی رعایت شود نه تنها خدشه‌ای به شخصیت زن وارد نمی‌شود، بلکه از او موجودی موقر، سنگین و به مراتب محبوب‌تر خواهد ساخت.

۵-۲. مبارزه با نفس

میل به خودنمایی و جلوه‌گری به دلیل مصالحی در سرشت زن نهفته که باید در مسیر درست و هدفی والا به کار گرفته شود. بی‌گمان این گرایش در وجود زن اگر مانند سایر میل‌ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات مطلوبی خواهد داشت؛ زیرا هیچ گرایش درونی بدون دلیل در درون به ودیعت نهاده نشده است، اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمایی و جلوه‌گری همواره در همه جا نمود داشته باشد، فسادآفرین خواهد بود. پوشش را می‌توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست.

۵-۳. جواز حضور در اجتماع

لزوم و وجوب حجاب و لزوم ستر زن در مقابل نامحرم و در ارتباط با اجنبی است و روشن است که اگر زن می‌بایست در گوشه‌ای به دور از انظار نگاه داشته شود و در جامعه حضور نداشته

باشد، پس از لزوم پوشش و تستر به این گستردگی و حساسیت سخن گفتن، چه معنایی می‌توانست داشته باشد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند بدون اجازه او بجائی نمی‌روند» (نور: ۶۲). استاد جوادی آملی در تفسیر امر جامع می‌نویسد: «امر جامع همان مسائل جمعی نظام است مانند نماز جمعه، تظاهرات علیه طغیان و استکبار، حضور در انتخابات، تأیید رهبر، امر به معروف و نهی از منکر عمومی و جمعی و... اگر این حریم دریده شود، ضمانتی برای سلامت شخص و جامعه وجود ندارد. در سایه رعایت عفاف، زن با شهامت هرچه تمام‌تر به وظیفه خود مشغول شده و خطری از ناحیه اجتماع متوجه وی نمی‌شود. بدین سان با قاطعیت تمام می‌توان گفت که پوشش، امنیت زن را در جامعه می‌سازد و در حریم پوشش است که می‌توان با خیالی آسوده به جامعه آمد و به فعالیت پرداخت و در سنگر حجاب، حضور عینی خود را در ابعاد مختلف اجتماع، تحقق بخشید» (جوادی آملی، ۱۳۷۵)

۴-۵. عدم اخلاط

از آیات ۳۵ سوره احزاب و ۱۶ سوره نور عدم اختلاط زنان و مردان به وضوح قابل درک است. شهید مطهری در تفسیر آیه ۳۵ سوره احزاب می‌نویسد: «براساس این دستور مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار صدا بزند». جمله: «ذَلِكُمْ أَظْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» و «أَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» که در آیه ۱۶ سوره نور آمده است، دلالت می‌کند که هراندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است را رعایت کنند به تقوی و پاکی نزدیک‌تر است.

۵-۵. حفظ وقار و عفاف

شرط سوم برای حضور زن در اجتماع، حفظ وقار و عفاف در روش و منش است. در قرآن کریم نیز آیات متعددی به مظاهر و نمودهای این مسئله شامل: حفظ حجاب، وقار در راه رفتن و

سخن گفتن، پوشاندن زینت‌ها، دوری از نگاه به نامحرم، پاکدامنی اشاره کرده‌اند مانند آیه ۵۳ سوره قصص و آیه ۲۳ سوره احزاب.

۵-۶. عدم تعارض شغل زن با حق ریاست شوهر بر خانواده

خداوند متعال می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ مردان سرپرست زنان هستند؛ زیرا خدا برخی از ایشان را به برخی برتری داده است و به دلیل آنکه (مردان) از اموالشان خرج می‌کنند، پس زنان درستکار فرمانبردار به پاس آنچه خدا حفظ کرده اسرار شوهران خود را حفظ می‌کنند». (نساء: ۴۳) مسائل اجتماعی و شَمِّ اقتصادی و تلاش برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی‌های منزل و اداره زندگی را مرد بهتر به عهده می‌گیرد و چون مرد، مسئول تأمین هزینه است، سرپرستی داخل منزل هم با مرد است. روح قیّم و قوام بودن یک وظیفه است و نه فضیلت. آیه در مقام تبیین وظیفه است نه اعطای مزیت، پس وقتی خداوند می‌فرماید: «الرجال قوامون على النساء» (نساء: ۳۴) یعنی، ای مردان، شما به امر خانواده قیام کنید. همان‌گونه که برای اجرای مسائل قضایی خداوند به ما امر کرده و فرموده: «كونوا قوامين بالقسط شهداء الله» (نساء: ۱۳۵). بنابراین، قرآن هم به زن‌ها می‌گوید شما به این مدیریت و سرپرستی داخلی احترام بگذارید و هم به مرد می‌گوید این وظیفه توست نه مزیت تو. اگر به زن در مقابل شوهر دستور تمکین می‌دهد و به مرد در مقابل زن دستور سرپرستی می‌دهد تنها بیان وظیفه است و هیچ‌یک نه معیار فضیلت است و نه موجب نقص. قید دیگری که در آیات قرآن برای وظایف زن و مرد موجود است، رعایت اصل و معروف است. بنابراین، خارج از محدوده معروف، مرد حق تحکم و تحمیل بر زن را ندارد و در این مورد خطاب به مرد می‌فرماید: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)؛ «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (نساء: ۲۳۱)؛ «آتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۲۵). پس با در نظر گرفتن مجموع آیات این نکته مشخص می‌شود که زوج نمی‌تواند خارج از حکم خدا و معروف، نسبت به همسر تحکم کند و اعمال نظرهای شخصی براساس اغراض نفسانی کند. برای مثال در مسئله خروج از منزل،

رعایت اصل معروف و مصلحت خانواده بر زن و مرد واجب است. مرد نمی‌تواند برخلاف حکم خدا زن را وادار به ترک ارحام یا ترک نیکویی نسبت به والدین یا ترک معروف و یا اصولی کند که برخلاف حکم شرع و عقل و خارج از دایره عرف و معروف باشد مگر در مواردی که یک مصلحت اهم عقلایی در خانواده موجود باشد یا شرط و عهده‌ی که به واسطه آن، زوجه ملزم به انجام آن می‌باشد.

۵-۷. عدم تعارض با وظیفه مادری

شرط مهم دیگری که باید در مسئله اشتغال زنان مدنظر قرار گیرد، عدم تعارض این مسئولیت با وظیفه سنگین و خطیر مادری است. دوری و جدایی‌های بی حساب مادر و کودک موجب عوارض بسیاری برای کودکان است که برخی از آنها عبارتند از: کمبود محبت و حتی احساسی که زمینه‌ساز بسیاری از لغزش‌ها، نابسامانی‌ها و انحرافات در زندگی حال و آینده اوست. آسیب‌پذیری و آمادگی بیشتر برای بیماری و دل‌تنگی بیشتر در هنگام بیماری، تفکیک فرهنگی در سنین بالاتر و احساس جدایی فکری و خطی بین خود و خانواده و درنهایت جدایی بدنی از خانواده و جدا کردن راه زندگی خود از دیگران از عوارض منفی محرومیت فرزندان از حضور مادر در خانه است.

۶. اشتغال زنان در قوانین افغانستان

تا قبل از به قدرت رسیدن طالبان در قوانین افغانستان به شیوه‌های متفاوت از حق کار زنان حمایت شده بود که به چند نمونه آن اشاره می‌شود. در ماده ۲۲ قانون اساسی آمده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند». در ماده ۴۸ قانون اساسی به جواز کار برای تمام افراد تصریح شده است: «کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کاری رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. انتخاب شغل و حرفه در حدود احکام قانون آزاد می‌باشد». از اطلاق و کلیت مواد مذکور این نکته به دست

می‌آید که کار برای زن مجاز دانسته شده و از این رو بین زن و مردم تفاوتی وجود ندارد. در قانون کار در ماده نهم، بند ۳ مقرر شده است: «در جمهوری اسلامی افغانستان انتخاب شغل، حرفه، مهارت و تخصص و نوع شغل مطابق رشته تحصیلی، علاقه، استعداد و آمادگی حرفه‌ای طبق سند تقنینی مربوطه، آزاد می‌باشد». در ماده ۳۵ مقرر قانون منع خشونت علیه زنان آمده است: «شخصی که زن را از تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحتی با استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد». براساس اهداف توسعه هزاره (MDG) دولت متعهد شده است که تا سال ۲۰۲۰م، حدود ۳۰٪ از کارمندان ادرا ت دولتی را زنان تشکیل دهند.

در عمل نیز اشتغال زنان در افغانستان رشد نسبی داشته و با وجود بیکاری بالا در این کشور، پس از تحولات جدید، زنان مشاغلی را در زمینه‌های مختلف تولیدی و خدماتی، دولتی و خصوصی از آن خود کرده و این امر روزبه‌روز در حال افزایش است. اینک به‌طور تقریبی، نصف زنان شهری افغانستان مشغول به کار هستند. براساس گزارش ماهنامه حقوق بشر افغانستان، زنان شهرنشین افغانستان بیش از زنان روستانشین مشغول کار در بیرن از منزل هستند. این در حالی است که باتوجه به اشتغال زنان شهری افغانستان در شرایط فعلی اگر دولت افغانستان به تعهد خود درقبال اهداف توسعه هزاره (MDG) جامه عمل ببوشاند آمار زنان شاغل افزایش می‌یابد. (واثق، ۱۳۹۰، ص ۳۵۷) توجه به این نکته بسیار مهم است که اشتغال زنان از نظر اسلام و قوانین افغانستان جدید، محدود به یک سلسله شرایط و قیوداتی است. با درک شرایط و محدودیت‌های کار زنان از نظر اسلام و قوانین افغانستان هم می‌توان شرایط و محدودیت‌های نظام اقتصادی اسلام را بهتر درک کرد و هم می‌توان باتوجه به آموزه‌های اسلامی و قوانین افغانستان برای اشتغال زنان برنامه‌ریزی‌های مناسب‌تر انجام داد.

۷. نتیجه‌گیری

با نگاهی به آیات و شواهد می‌توان به این نتیجه رسید که اسلام نسبت به اشتغال زنان دید منفی ندارد و کار و تلاش اقتصادی را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است.

جنسیت در هیچ یک از انواع معاملات و تجارت دخالت ندارد و این گونه نیست که زن به دلیل جنسیت از برخی از معاملات ممنوع و مرد مجاز باشد. به همین دلیل در کتاب های فقهی، زنان از تجارت و یا قراردادی استثنا نشده یا از اختیار شغل خاصی منع نشده اند. تذکر این نکته نیز ضروری است که آنچه از دیدگاه قرآن در مورد اشتغال زنان بیان شد، مربوط به نفس کار و تلاش اقتصادی و بیان جواز این عمل برای زنان است. در قوانین افغانستان تا قبل از روی کار آمدن حکومت طالبان در سال ۲۰۲۱ میلادی منعی نسبت به اشتغال زنان در جامعه افغانستان دیده نمی شود، ولی با توجه به اینکه جامعه افغانستان، جامعه سنتی است با روی کار آمدن دولت طالبان و وجود تعصبات بیجا مانع از حضور زنان در سطح جامعه شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب.
۲. اصفهانی، راغب (۱۴۱۶). مفردات الفاظ قرآن. دارالعلم: دار الشامیه.
۳. جعفریور، جمشید (۱۳۸۶). بررسی فقهی و حقوقی اشتغال زنان. نشریه علمی-پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، ۷۴-۵۵.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). مقدمه عمومی علم حقوق. تهران: گنج دانش.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: اسراء.
۶. جودی، ایوانز (۱۳۸۸). ارمغان آمریکا برای زنان افغانستان. نشریه سیاحت غرب، شماره ۳۹، ۷۴-۴۰.
۷. حسنات، یاسمین (۱۳۸۹). حضور نامناسب زنان در بازار کار. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان. قم: انتشارات بین المللی المصطفی.
۸. حسینی، حلیمه (۱۳۹۰). وضعیت زنان افغانستان از بی عدالتی تا رسیدن به عدالت جنسیتی. نشریه پژوهش های منطقه ای، شماره ۷، ۱۳۱-۱۶۵.
۹. رهبر، مهدی (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نظرات شیعه و اهل سنت در مورد اشتغال بانوان. نشریه علمی-ترویجی بانوان شیعه، ۲۲(۶)، ۴۵-۶۶.
۱۰. سرور، اسفندیار (۱۳۸۴). اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق. نشریه علمی حوراء (نشریه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان)، شماره ۱۸، ۲۰-۲۷.
۱۱. سعیدزاده، محسن (۱۳۷۴). مشاغل زنان در عصر رسالت. نشریه پیام زن، شماره ۳۸، ۱۱۱-۱۲۹.
۱۲. صداقت، قاسم علی (۱۳۹۰). حق کار زنان از منظر اسلام و قوانین جمهوری اسلامی افغانستان شرایط و محدودیت ها. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان. قم: انتشارات بین المللی المصطفی.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.

۱۴. فاضلی، خادم الحسین (۱۳۸۹). زنان افغانستانی و مشارکت سیاسی. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان. قم: انتشارات بین المللی المصطفی.
۱۵. فاضلی کیا، لیلا (۱۳۹۸). حقوق زن در افغانستان. نشریه آفاق علوم انسانی، ۲۸(۳)، ۱۹-۳۴.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۱۷. قدیر، محسن (۱۳۸۵). اشتغال زنان از منظر اسلام و غرب. تهران: دفتر مطالعات و زنان ایران.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت انتشارات با همکاری بهمن برنا.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق (منطق حقوق). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۸). بایسته های حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۱). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. تهران: انتشارات الاسلامیه.
۲۳. محسنی، محمدآصف (۱۳۹۰). زنان در افغانستان، فرصت ها، چالش ها و راهکارها. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۴. مشکینی، میرزاعلی (۱۳۹۴). اصطلاحات الاصول و معظم ابائها. قم: نشر الهادی.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). زن و جامعه. نشریه پیام زن، ۴(۶)، ۴۱-۵۸.
۲۶. نادری فر، محمد (۱۳۹۰). بررسی مبانی فقهی و حقوقی کارگران زن در ایران. نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۲۲، ۷۷-۱۱۶.
۲۷. واثق غزنوی، قادرعلی (۱۳۹۰). اشتغال زنان مبانی، انگیزه ها، پیامدها و راهکارها. مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان فرصت ها و چالش ها و راهکارها. قم: انتشارات المصطفی.
۲۸. واحدی، قدرت الله (۱۳۸۵). مقدمه علم حقوق. تهران: انتشارات میزان.